

دانش و پژوهش در روان‌شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره نوزدهم و بیستم - بهار و تابستان ۱۳۸۳

صص ۹۳ - ۱۰۸

رابطه بین نحوه ارتباط اعضای خانواده با ارزش‌سازی تصویر آنها در نقاشی کودکان ۴ تا ۶ ساله تهرانی

اعظم صالحی^۱ - شهین علیایی زند^۲ - هادی بهرامی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین نحوه ارتباط اعضای خانواده (والدین - کودک) با ارزش‌سازی تصویر آنها در نقاشی کودکان صورت گرفته است. بدین منظور با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۸۰ آزمودنی (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) ۴ تا ۶ ساله از دو مهد کودک شهر تهران انتخاب شدند. بر روی این گروه آزمون ترسیم خانواده اجرا شد و با هر یک از آزمودنیها و همچنین با والدین آنها مصاحبه‌ای صورت گرفت. سپس نتایج حاصل با استفاده از آزمون خی دو تجزیه و تحلیل گردید. در این مطالعه یافته‌ها نشان دادند که بین ارزش‌سازی تصویر پدر در نقاشی و ارتباط سازنده کودک با وی رابطه وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین بین ارزش‌سازی تصویر مادر در نقاشی و ارتباط سازنده کودک با وی رابطه وجود دارد ($P < 0/05$).

کلید واژه‌ها: خانواده، آزمون ترسیم خانواده، نقاشی کودک، ارتباط.

۱- کارشناس ارشد مشاوره و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

نقاشی کودک یک پیام است، یعنی آنچه را که او نمی‌تواند به زبان بیاورد با نقاشی کردن به ما انتقال می‌دهد. بررسی و درک «زبان» نقاشی، اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار والدین، مربیان، روان‌شناسان و همه کسانی می‌گذارد که خواهان درک و دریافت راز و رمز جهان کودک هستند (دادستان، ۱۳۷۴، ص ۱). بهرامی (۱۳۷۲) اظهار می‌دارد: «گفته می‌شود که نقاشی زبان کودک است و بزرگسالان اگر نقاش نباشند به ندرت به نقاشی می‌پردازند. کودکان خردسال به دلیل اینکه کلمات کافی برای برقرار کردن ارتباط با دیگران ندارند، اکثراً به نقاشی و یا وسیله‌های ارتباطی دیگر پناه می‌برند» (بهرامی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۵). کرمن نیز نقاشی را وسیله‌ای ارزشمند برای بیان عواطف و ویژگی شخصیتی کودکان می‌داند (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱، ص ۱۵). قاسم‌زاده (۱۳۷۱)، در مورد اهمیت نقاشی کودک به‌عنوان یک وسیله تشخیصی می‌نویسد: «در واقع نقاشی برای او (کودک) وسیله‌ای است که از آن طریق خواسته‌ها، مشکلات، احساسات، افکار و آرزوهای خود را به شکلی مطلوب منعکس می‌سازد». کودک در نقاشی خود هیچ چیز را پنهان نمی‌کند و بدون ترس و واژه به بیان آن می‌پردازد. تصویری که او از انسان و اشیاء ترسیم می‌کند، بازتابی است از تصورات ذهنی وی که با ساخت درونی و روانی‌اش رابطه مستقیم دارد (داداش‌زاده، ۱۳۷۲). کرمن در همین ارتباط می‌نویسد «باید کودک بتواند آنچه در دل دارد را آزادانه بیان کند و نقاشی دقیقاً وسیله این بیان آزاد است» (پیشین، ص ۴).

با توجه به اینکه کودکان اکثر وقت خود را در خانه می‌گذرانند، طبیعی است که بخش عمده‌ای از مشکلات آنها مربوط به محیط خانه و خانواده باشد. بهرامی (۱۳۷۲) در این زمینه می‌نویسد: «تجربیات بالینی با کودکان نشان می‌دهند که بسیاری از اختلالات عاطفی و مشکلات رفتاری آنها ارتباط نزدیک با خانواده‌ای دارد که در آن زندگی می‌کنند» (بهرامی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۵). کرمن نیز اظهار داشته که نخستین تجربه‌های سازشی کودک با پدر و مادر و خواهران و برادران او تحقق می‌یابد، بنابراین وقتی صحبت از تعارض است، با آنها در تعارض است (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱، ص ۱۵).

یکی از آزمون‌هایی که از آن طریق کودک تعارضات و مشکلات ارتباطی خود را با اعضای خانواده‌اش ابراز می‌دارد آزمون ترسیم خانواده^۱ یا آزمون نقاشی خانواده^۲ است. این آزمون را در اصل اپل^۳ (۱۹۳۱) و وولف^۴ (۱۹۴۲) پیشنهاد کردند، اما هالس^۵ (۱۹۵۱) بعدها آن را به گونه‌ای کاملتر به عنوان آزمون نقاشی خانواده تدوین کرد. این روش همراه با پیشرفت خانواده‌درمانی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شهرت زیادی پیدا کرد (نقل از مارنات،^۶ ۱۹۹۰؛ ترجمه شریفی و نیکخو، ۱۳۷۴). کرمن و پوروت^۷ از افرادی هستند که در مورد آزمون خانواده پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند و برای کارایی هر چه بهتر آن تلاش کرده‌اند. کرمن می‌نویسد «نقاشی خانواده به خصوص به کودک اجازه می‌دهد که تمایلات سرکوب شده در زمینه ناهشیار خود را فرافکنی (برون‌ریزی) کند و از این راه است که او می‌تواند واقعی‌ترین احساساتی را که نسبت به کسان خود دارد برای ما آشکار سازد» (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱، ص ۴). فراری^۸ نیز آزمون ترسیم خانواده را یکی از آزمون‌های فرافکن ترسیمی می‌داند که برای نیل به احساسات، افکار و آرزوهای کودک در مورد اعضای خانواده‌اش ارائه شده است (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱). در عمل مشاهده می‌شود که فرافکنی در آزمون ترسیم خانواده به سادگی و با وسعت صورت می‌گیرد و به کمک آن می‌توان به بسیاری از تعارضات، گرایش‌های ناخودآگاه، ساز و کارهای دفاعی و اختلالات شخصیتی کودکان پی برد (بهرامی، ۱۳۷۲).

در تفسیر نقاشی خانواده، برخی از ویژگی‌های ترسیم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ از جمله: ارزش‌سازی، نازنده‌سازی و حذف افراد از ترسیم، فاصله بین افراد ترسیم شده، ترسیم افراد در نزدیک یا دور از کودک و... به عنوان مثال کودکی که احساس طرد شدن می‌کند ممکن است خودش را دور از افراد خانواده یا پشت صفحه بکشد و یا اینکه به کلی خود را از ترسیم حذف کند. تصاویر بزرگتر و یا آنهایی که اول کشیده می‌شوند احتمالاً از طرف کودک، مهمتر و مقتدرتر از آنهایی تلقی می‌شوند که کوچکتر و یا در آخر کشیده شده‌اند (مارنات، ۱۹۹۰، ترجمه شریفی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۹). اعضای یک

1- Family Drawing Test

2- Draw-E-Family (DAF)

3- Appel

4- Wolf

5- Halse

6- Marnat

7- Porot

8- Ferrari

خانواده هماهنگ در نقاشی کودکان، همیشه با هم و دست در دست هم نشان داده می‌شوند. نزدیک شدن دو یا چند شخصیت نشان‌دهنده انس و الفت واقعی آنها و یا تمایل کودک به آنهاست. همچنین کودک خودش را نزدیک شخصی نقاشی می‌کند که حس می‌کند در کنارش راحت است و یا او را بیشتر از همه دوست دارد. ولی اگر کودکی فکر کند که مثلاً خواهرش بیشتر از او مورد توجه پدر و مادر است، در نقاشی خود، خواهرش را بین پدر و مادر و خود را دورتر از آنها در کنار کاغذ قرار می‌دهد (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴).

از بین تمامی ویژگیهای گفته شده، ارزنده‌سازی و ناارزنده‌سازی تصاویر اعضای خانواده موضوعی است که مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودک افرادی را ارزشگذاری می‌کند که در نظر او مهمتر و شکوهمندتر باشند و او آنها را دوست داشته باشد (بهرامی، ۱۳۷۲). کرمین در مورد فرد ارزنده‌سازی شده در نقاشی کودک می‌نویسد: «شخص ارزنده‌سازی شده غالباً کسی است که در وهله نخست ترسیم شده، چه اولین کسی است که کودک به وی فکر می‌کند و توجه خاصی به او مبذول می‌دارد». وی همچنین بیان می‌دارد که غالباً این شخص یکی از والدین کودک است (کرمین، ۱۳۷۱؛ ترجمه دادستان و منصور، ص ۷۰). برعکس فردی که از ترسیم حذف می‌شود یا کوچکتر، ناچیزتر و ناقص‌تر می‌شود و کودک او را بدتر و کمتر از دیگران می‌داند، به نوعی در نقاشی بی‌ارزش شمرده می‌شود (کرمین، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱؛ فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱؛ بهرامی، ۱۳۷۲). برای مثال، پدری که کودک نمی‌تواند به او نزدیک شود ممکن است در گوشه صفحه دور از سایر افراد خانواده کشیده شود.

کوکس (۱۹۹۳)، گاردنر (۱۹۸۰)، توماس و سیلیک (۱۹۹۰)، بارت و ایمز (۱۹۶۰)، کوکس و می‌نارد (۱۹۸۸) از پژوهشگرانی هستند که به اهمیت نقاشی و ترسیم در بیان ویژگیهای روانی و عاطفی و شخصیتی کودکان تأکید کرده‌اند. این پژوهشگران پژوهش‌هایی را نیز در این زمینه انجام داده‌اند. هولتز و همکاران (۱۹۸۰) طی تحقیقی نشان دادند که از طریق آزمون ترسیم خانواده می‌توان فاصله روان‌شناختی موجود بین اعضای خانواده را نشان داد. جونز (۱۹۸۵) نیز در پژوهشی که از آزمونهای ترسیمی (خانواده و حیوانات) بهره گرفته بود، نشان داد که در خانواده‌های جدا شده، کودکان

خودبنداره پایین‌تری دارند. در سال ۱۹۸۲، راییت و مکین‌تایر در مطالعه‌ای سعی کردند با استفاده از آزمون ترسیم خانواده، شیوه نمره‌گذاری معتبری برای تشخیص افسردگی ارائه دهند. آنها مقیاس افسردگی آزمون ترسیم خانواده^۱ را به روی ۱۹ بیمار افسرده، قبل از درمان و پس از آن اجرا کردند. نتایج حاصل نشان داد که این مقیاس را می‌توان به عنوان یک ابزار تشخیصی برای شناسایی افراد افسرده و غیرافسرده به کار برد. کوکس و می‌نارد (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که رشد فرایند ترسیم شکل انسان در کودکان دارای نشانگان، تفاوت‌های کیفی نسبت به دیگر کودکان دارد که احتمالاً ناشی از نقص توجه است. برخی دیگر از پژوهشگران در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی، محیطی در ترسیم‌ها و نقاشی‌های کودکان تأثیر دارد (کرمن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱؛ فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱؛ ناتال و همکاران، ۱۹۸۸؛ کوکس، پرارا، کویاسو و هیراناما، ۲۰۰۱).

در ایران نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. فاسمزاده (۱۳۷۱)، با اجرای آزمون ترسیم خانواده بر روی گروهی از کودکان ۵ تا ۶ ساله نشان داد که نقاشی کودکانی که مشکلات خانوادگی داشتند و یا نسبت به خانواده خود دارای نگرش منفی هستند با نقاشی کودکانی که چنین مشکلاتی ندارند و تصور آنها در مورد خانواده‌هایشان مثبت است، تفاوت آشکار و معناداری دارد. نارمکی (۱۳۷۲) به این نتیجه رسید که در نقاشی‌های فرزندان طلاق، ویژگی‌هایی از قبیل حذف خود از نقاشی، مطرح نمودن و نشان دادن مشکلات و مسائل خود در نقاشی، ترسیم والدین دور از یکدیگر، طرد والدی که با آنها زندگی نمی‌کند و تنوع کمتر در رنگ نقاشی دیده می‌شود. تیموری سلماسی (۱۳۷۴) نشان داد که بیشتر فرزندخوانده‌ها از خطوط راست و بیشتر کودکان عادی از خطوط منحنی در ترسیم خود استفاده می‌کنند و فرزندخوانده‌ها بیش از کودکان عادی، خطوط کمرنگ را به کار می‌برند. بایرامی (۱۳۷۳) نیز طی تحقیقی به این نتیجه رسید که کودکان پرخاشگر، معمولاً اعضای از خانواده را که پرخاشگری بیشتری دارند، بزرگتر از سایرین ترسیم می‌کنند. همچنین حذف

اندامهای بدن و ترسیم ناقص اعضای خانواده، در این کودکان مشاهده می‌شود. سرو قد (۱۳۷۴) در پژوهش خود نشان داد که کودکان دارای والد افسرده در مقایسه با کودکان دارای والد عادی، سطح کمتری از کاغذ را در ترسیم اشغال می‌کنند، بیشتر با والد غیرافسرده همانندسازی کرده و کمتر از کودکان والد عادی با خودشان همانندسازی می‌کنند و بیشتر به ترسیم خانوادهٔ تخیلی می‌پردازند. عسکری (۱۳۷۲) نیز به این نتیجه رسید که نقاشیهای کودکانی که پدر اسکیزوفرنیک دارند از نظر شکل و محتوا با کودکان دارای والد عادی متفاوت است.

بسیاری از مطالعات پیشین نشان داده است که کودک از طریق نقاشی بهتر می‌تواند مسائل و مشکلات خود را بیان کند. بنابر تحقیق مینکوسکا،^۱ یک مکالمهٔ ساده با یک کودک هرگز به نحوی واضح و روشن، احساسات واقعی او را نسبت به خانواده‌اش نمایان نمی‌سازد. زیرا کودک که از مقاصد جست‌وجوگرانهٔ بزرگسالان به‌خوبی آگاه است، با سکوت و یا دروغ و جملات بی‌ربط از خود دفاع می‌کند، برعکس هنگامی که او افراد خانواده‌اش را در نقاشی نشان می‌دهد، خود را کمتر مهار می‌کند و با آزادی تمام ترسها، تمایلات، احساسات، جاذبه‌ها و تردیدهایش را بیان می‌کند. چه خود موضوع نقاشی‌اش را انتخاب کرده باشد، و چه بنا به خواهش بزرگترها موضوعی را نقاشی کند (فراری، پیشین، ص ۱۲۳). بنابراین لازم است که محتوا و مفاهیم موجود در نقاشیهای کودکان مورد بررسی قرار گیرد و از نقاشی به‌عنوان یک ابزار تشخیصی برای شناسایی جو و محیط خانوادهٔ کودک و تعارض‌ها و گرایشهای وی استفاده گردد. بر همین اساس هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطهٔ بین نحوهٔ ارتباط اعضای خانواده با ارزنده‌سازی آنها در نقاشی کودکان ۴ تا ۶ سال بوده است. با توجه به هدف پژوهش فرضیه‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- بین ارزنده‌سازی تصویر پدر در نقاشی و ارتباط سازندهٔ کودک با وی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ارزنده‌سازی تصویر مادر در نقاشی و ارتباط سازندهٔ کودک با وی رابطه وجود دارد.

روش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه کودکان (دختر و پسر) ۴ تا ۶ ساله مهدکودک‌های شهر تهران، تشکیل داده‌اند.^۱

نمونه و روش نمونه‌گیری: آزمودنیها شامل ۸۰ کودک ۴ تا ۶ ساله (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) بوده است که به طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از دو مهدکودک شهر تهران انتخاب شده‌اند.

ابزارهای تحقیق: برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از آزمون ترسیم خانواده و مصاحبه سازمان یافته استفاده شده است. کرم‌ن از جمله پژوهشگرانی است که برای کارآیی بیشتر آزمون ترسیم خانواده تلاش کرده است. در شیوه اجرای کرم‌ن که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، از آزمودنی خواسته می‌شود که روی کاغذ یک خانواده را ترسیم کند. یک مداد خوب تراشیده شده، یک برگ کاغذ سفید بی‌خط، یک مداد پاک‌کن و در صورت نیاز یک جعبه مداد رنگی در اختیار آزمودنی قرار داده می‌شود. بعد از اجرای آزمون، مصاحبه‌ای هدایت شده درباره افراد ترسیم شده و گرایشهای کودک نسبت به این افراد، مطابق شیوه کرم‌ن با کودک صورت گرفته است که این مصاحبه شامل ۹ سؤال است.

تاکنون در رابطه با اعتبار نمره‌گذاری توسط ارزشیاب‌های مختلف روایی همزمان و حساسیت نسبت به تغییر وضعیت بالینی مراجع، نتایج متفاوتی به دست آمده است. راسکین و بلوم^۲ (۱۹۷۹)، سید و لیورتون^۳ (۱۹۷۴) در پژوهش‌های خود دریافتند که جدا کردن خود در نقاشی، در حد بالایی می‌تواند کودکان دارای مشکل را از دیگران تفکیک کند (نقل از مارتات، پیشین، ص ۳۰۱).

رایت و مکین‌تایر (۱۹۸۲) ضرایب پایایی نمره‌گذاری که ارزشیاب‌های مختلف به دست آورده‌اند را در دامنه ۸۷/۰ گزارش کرده‌اند. مقیاس نمره‌گذاری این پژوهشگران افراد افسرده را از افراد عادی به دقت تفکیک کرد. همچنین مستکاف و لازاروس

۱- نویسندگان مقاله تعداد کل جامعه آماری را ارائه نداده‌اند.

2- Raskin & Bloom

3- Sayed & Leaverton

(۱۹۸۳) ثبات آزمون ترسیم خانواده را با دو روش پایایی ارزیاب‌ها و پایایی آزمون مجدد بررسی کردند؛ نتایج حاصل مؤید پایایی آزمون بود. در زمینه روایی و پایایی این آزمون در ایران کوشش‌های زیادی صورت نگرفته است، یا اینکه دسترسی به آن مقدور نبوده است.

سؤالات مصاحبه با والدین کاملاً سازمان یافته و از پیش تعیین شده بودند. سؤالات دارای دو مقوله اساسی شامل: ارتباط سازنده و ارتباط غیرسازنده کودک با اعضای خانواده بودند که در ارتباط با هر مقوله تعدادی سؤال طراحی شد، سؤالات طرح شده پس از بررسی‌های مقدماتی و اجرای آزمایشی اصلاح گردید و در نهایت ۱۲ سؤال برای مصاحبه با والدین کودک انتخاب شد.

روش اجرا

آزمون ترسیم خانواده مطابق شیوه کرمن در مهد کودک اجرا شد. پس از اجرای آزمون، مصاحبه‌ای سازمان یافته (شامل ۹ سؤال) در مورد افراد ترسیم شده با کودک انجام گرفت، همچنین در رابطه با چگونگی ارتباط کودک - والد مصاحبه‌ای با یکی از والدین کودک انجام شد. پس از آن نقاشی‌های کودکان بر اساس علائم و نشانه‌های ارزنده‌سازی والدین و نازنده‌سازی آنها تفسیر شد و نتایج بر روی فرم مشخصات آزمودنیها ثبت گردید.

روش آماری: برای تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد و نمودار و برای آزمون فرضیه‌ها از روش آماری خی دو استفاده شده است.

نتایج

الف - تحلیل‌های توصیفی

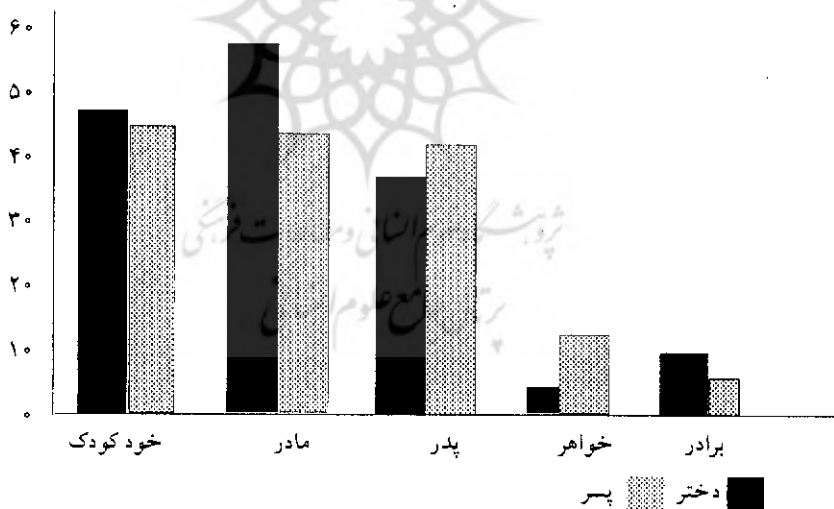
۱- ارزنده‌سازی خود کودک و اعضای خانواده در نقاشی

اطلاعات مربوط به ارزنده‌سازی خود کودک و اعضای خانواده در نقاشی در

جدول ۱ آمده است:

جدول ۱- اطلاعات مربوط به ارزش‌سازی اعضای خانواده

افراد ارزش‌سازی شده در ترسیم											
		خود کودک		مادر		پدر		خواهر		برادر	
در گروه	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
دختران	۱۸	۴۷	۲۳	۵۸	۱۳	۳۴	۱	۳	۳	۸	
پسران	۱۹	۴۵	۱۸	۴۳	۱۷	۴۰	۵	۱۲	۲	۵	
مجموع	۳۷	۴۶	۴۰	۵۰	۳۰	۳۸	۶	۸	۵	۶	



نمودار ۱- ارزش‌سازی اعضای خانواده

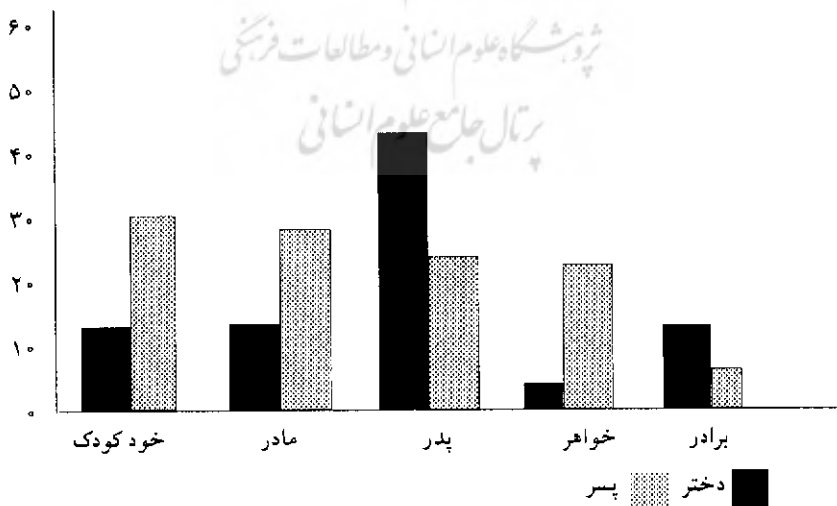
نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که دختران به ترتیب مادر (۵۸٪)، خود (۴۷٪)، پدر (۳۴٪)، برادر (۸٪) و خواهر (۳٪) را در نقاشی ارزش‌سازی کرده‌اند و پسران به ترتیب خود (۴۵٪)، مادر (۴۳٪)، پدر (۴۰٪)، خواهر (۱۲٪)، و برادر (۵٪) را در نقاشی ارزش‌سازی نموده‌اند. همان‌طور که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهند پدر هم در نقاشی‌های پسران و هم در نقاشی‌های دختران بعد از خود کودک و مادر ارزش‌سازی شده است.

۲- نازرنده‌سازی خود کودک و اعضای خانواده در نقاشی

اطلاعات مربوط به نازرنده‌سازی خود کودک و اعضای خانواده در نقاشی در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- اطلاعات مربوط به نازرنده‌سازی خود کودک و اعضای خانواده

افراد نازرنده‌سازی شده در ترسیم										
خود کودک		مادر		پدر		خواهر		برادر		
درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد	در گروه
۱۶	۶	۱۶	۱۶	۴۲	۱۶	۲	۵	۵	۱۳	دختران
۳۱	۱۳	۲۸	۱۲	۲۴	۱۰	۹	۲۱	۳	۷	پسران
۲۴	۱۹	۱۸	۲۳	۲۶	۲۳	۱۱	۱۴	۸	۱۰	مجموع



نمودار ۲- نازرنده‌سازی اعضای خانواده

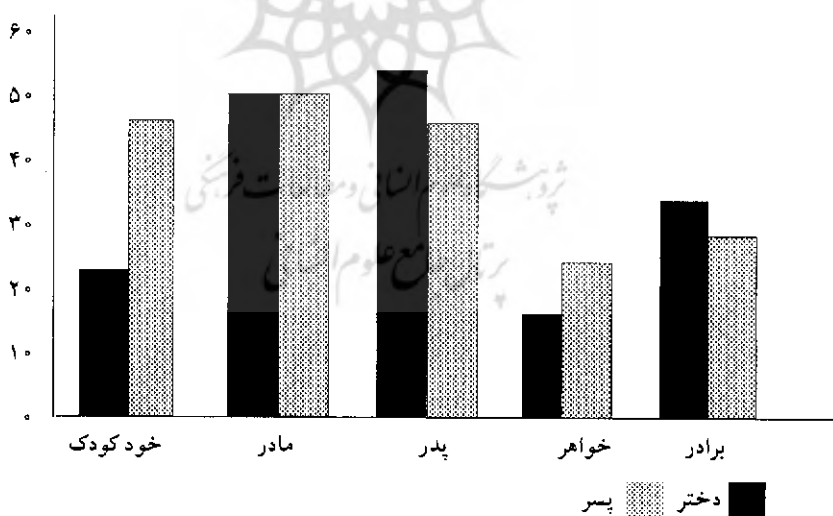
داده‌های جدول ۲ بیانگر این است که دختران به ترتیب پدر (۴۲٪)، مادر و خود (۱۶٪)، برادر (۱۳٪) و خواهر (۵٪) را نازرنده‌سازی کرده‌اند. همچنین پسران به ترتیب خود (۳۱٪)، مادر (۲۸٪)، پدر (۲۴٪)، خواهر (۲۱٪) و برادر (۷٪) را نازرنده‌سازی کرده‌اند.

۳- حذف اعضای خانواده از ترسیم

اطلاعات مربوط به حذف اعضای خانواده از ترسیم در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳- اطلاعات مربوط به حذف اعضای خانواده از ترسیم

افراد حذف شده از ترسیم										
		خواهر		پدر		مادر		خود کودک		
برادر	درصد فراوانی	خواهر	درصد فراوانی	پدر	درصد فراوانی	مادر	درصد فراوانی	خود کودک	درصد فراوانی	در گروه
۳۲	۱۲	۱۶	۶	۵۳	۲۰	۵۰	۱۹	۲۴	۹	دختران
۲۹	۱۲	۲۴	۱۰	۴۵	۲۰	۵۰	۲۱	۴۵	۱۹	پسران
۳۰	۲۴	۲۰	۱۶	۵۰	۴۰	۵۰	۴۰	۳۵	۲۸	مجموع



نمودار ۳- حذف اعضای خانواده

همچنان که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد دختران به ترتیب پدر (۵۳٪)، مادر (۵۰٪)، برادر (۳۲٪)، خود (۲۴٪) و خواهر (۱۶٪) را از ترسیم حذف کرده‌اند. همچنین پسران به ترتیب مادر (۵۰٪)، پدر و خود (۴۵٪)، برادر (۲۹٪) و خواهر (۲۴٪) را از ترسیم حذف کرده‌اند.

ب- آزمون فرضیه‌ها

۱- رابطه بین ارزش‌سازی مادر در نقاشی کودک و ارتباط سازنده کودک با وی. اطلاعات مربوط در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴- فراوانی‌های مشاهده شده مربوط به ارزش‌سازی تصویر مادر در نقاشی کودک و نحوه ارتباط مادر با کودک

تصویر مادر ↓	ارتباط ←	سازنده	غیرسازنده	جمع
ارزنده‌سازی شده	۳۶	۴	۴۰	
ارزنده‌سازی نشده	۲۷	۱۳	۴۰	
جمع	۶۳	۱۷	۸۰	

$df = 1$ $P < 0/05$ $\chi^2 = 4/78$

میزان «خی‌دو» محاسبه شده در داده‌های جدول ۴ برابر با $4/78$ است که از مقدار بحرانی خی‌دو جدول برای $\alpha = 0/05$ ($3/84$) بزرگتر است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و اختلاف بین فراوانیهای مورد انتظار و فراوانیهای مشاهده شده معنادار است. بر این اساس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین ارزش‌سازی مادر در نقاشی کودک و ارتباط سازنده کودک با وی رابطه وجود دارد.

۲- رابطه بین ارزش‌سازی پدر در نقاشی و ارتباط سازنده کودک با وی. اطلاعات مربوط در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- فراوانیهای مشاهده شده مربوط به ارزش‌سازی تصویر پدر در نقاشی کودک و نحوه ارتباط پدر با کودک

تصویر پدر ↓	ارتباط ←	سازنده	غیرسازنده	جمع
ارزنده‌سازی شده	۱۶	۱۵	۳۱	
ارزنده‌سازی نشده	۱۲	۳۷	۴۹	
جمع	۲۸	۵۲	۸۰	

$df = 1$ $P < 0/05$ $\chi^2 = 5$

میزان خی‌دو محاسبه شده برای داده‌های جدول ۵، برابر با ۵ است که از مقدار بحرانی خی‌دو جدول برای $\alpha = 0/05$ ($3/84$) بزرگتر است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و اختلاف بین فراوانیهای مورد انتظار و فراوانیهای مشاهده شده معنادار است. بر این اساس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین ارزش‌سازی پدر در نقاشی کودک و ارتباط سازنده کودک با وی رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داده است که بین ارزش‌سازی تصویر پدر در نقاشی و ارتباط سازنده کودک با وی و همچنین بین ارزش‌سازی تصویر مادر در نقاشی و ارتباط سازنده کودک با وی رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معنی است که نقاشی کودک وسیله مهم و ارزشمندی برای شناسایی مشکلات ارتباطی کودکان با والدین است. نتایج حاصل روایی و ارزش تشخیصی آزمون ترسیم خانواده را نیز در موارد ذکر شده تأیید می‌کنند. یافته‌های به دست آمده در این پژوهش همسو با یافته‌های به دست آمده در تحقیقات انجام شده قبلی است (هولتز و همکاران، ۱۹۸۰؛ کرم، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۷۱؛ فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۱؛ و نارمکی ۱۳۷۲). کودک با تمام وجود و شخصیت خود نقاشی می‌کند، این شخصیت در خط‌ها، طرز استفاده از فضا، فقدان بعضی از قسمتهای نقاشی، انتخاب رنگها و در خود موضوع (اگر به‌هاو تحمیل نشده باشد) نمایان می‌شود (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱؛ ص ۱۰۰). پرون و پرون می‌نویسند: این موضوع (نقاشی خانواده) برای نزدیک شدن به مسائلی که کودک در رابطه با محیط خانوادگی خود آنها را تجربه کرده، بسیار مناسب است. در این نوع نقاشی هم می‌توان ویژگیهای نقاشی (ابعاد، موضع اشخاص نسبت به یکدیگر، تفاوت در توجه به اجزای ترسیم‌ها، تغییر شکل‌ها یا جنبه‌های افزوده، اضافه کردن یا از قلم انداختن اشخاص و بجز آن) را تحلیل کرد و هم جنبه‌های کلامی همراه با نقاشی او را و هم پاسخهایی را که به سؤالات آزمایش‌کننده می‌دهد. به علاوه به باور بسیاری، نقاشی خانواده غالباً وسیله خوبی است، برای آغاز مصاحبه‌ای که بر محور مسائل و تعارض‌های خانوادگی کودک مبتنی است (پرون و پرون، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷).

بنابراین نقاشی کودکان امکانات فراوانی را برای تحقیق و بررسی در اختیار روان‌شناسان قرار می‌دهد، که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی برد. فراری می‌نویسد: اگر زبان نقاشی کودکان را بدانیم متوجه می‌شویم که در ورای شکل و ساختمان نقاشیها، حقایقی از شخصیت کودک نهفته است. وی همچنین می‌نویسد: درک و فهم نقاشیهای کودک و چیزی که او می‌خواهد بیان کند، برای والدین و مربیان بسیار لازم است - آن هم نه به عنوان کنجکاوی خشک و خالی، بلکه بدین علت که شناخت آن باعث بهتر شدن روابط بین بزرگسالان و کودکان می‌شود و به پیشرفت و تکامل کودک کمک شایانی

می‌کند (پیشین، ص ۱۰۱). بنابراین در مراکز درمانی، کلینیک‌ها، مهدکودک‌ها و سایر مراکز می‌توان برای شناخت مشکلات ارتباطی کودکان از نقاشی خانواده استفاده کرد. اگر چه نقاشی خانواده وسیله‌ای ساده و ارزشمند برای شناخت کیفیت ارتباط کودک با سایر اعضای خانواده و تعارض‌ها و گرایشهای پنهان وی است، ولی باید در تحلیل‌ها و تفسیرها جوانب مختلف در نظر گرفته شود. کرم‌ن اشاره کرده است که همیشه باید داده‌های نقاشی خانواده را براساس مشاهدات بالینی تفسیر کرد، این پژوهشگر همچنین یادآور می‌شود که نمی‌توان به نتایج آزمون اکتفا کرد. چه این شیوه ممکن است به اشتباهایی منجر گردد و به ارزش آزمون و آزمونگر لطمه وارد آورد (کرم‌ن، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۱، ص ۱۸۹). فراری نیز در همین زمینه می‌نویسد: «قبل از آغاز تجربه بعضی از موضوع‌ها که بیشتر مورد استفاده کودکان قرار می‌گیرد، یادآور می‌شویم که برای آنکه تعبیر نقاشیهای یک کودک کیفیت بهتری داشته باشد، باید از تعداد بیشتری از نقاشیها و اطلاعات دقیقی از زندگی خود آن کودک کمک گرفت» (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱). پرون و پرون نیز متذکر شده‌اند که هر چند آزمونه‌های نقاشی کودکان از لحاظ جنبه‌های فنی پیچیدگی کمتری نسبت به آزمونه‌های بزرگ فرافکن (رورشاخ یا اندریاف موضوع) دارند، اما تفسیر آنها در سطح شخصیت آسانتر از آزمونه‌های اخیر نیست. تفسیر آزمونه‌های نقاشی باید به صورت گام به گام و با توجه به گسترش تدریجی ترسیم‌ها و با پرسش از کودک، درباره معنای قسمت به قسمت این گسترش، تحقق پذیرد. چرا که قسمت مهم معنایی که در جست‌وجوی آن هستیم در همین طرز گسترش ترسیم‌ها نهفته است و در نتیجه با بررسی ساده یک نقاشی پایان یافته، نمی‌توان به مفهوم آن دست یافت (پرون و پرون، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷). نکته دیگر اینکه در تحلیل‌ها و تفسیرهای نقاشیهای کودکان باید تفاوت‌های فردی افراد، به‌ویژه جنسیت آنها در نظر گرفته شود. در پایان یادآور می‌شویم که یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده ارزش تشخیص نقاشی خانواده (آزمون ترسیم خانواده) برای شناسایی مشکلات ارتباطی کودک با سایر اعضای خانواده، به‌ویژه والدین است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مربیان، درمانگران و مشاوران کودک از این وسیله ساده، با رعایت جوانب و احتیاط‌های لازم در تفسیر، حداکثر استفاده را به عمل آورند. همچنین پیشنهاد می‌شود که ارزش تشخیص نقاشی خانواده برای شناخت سایر خصوصیات و ویژگیهای عاطفی و روانی کودکان مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

منابع

- بایرامی، منصور. (۱۳۷۳)، «بررسی و مشاهده نقاشی‌های پسران عادی و پرخاشگر بین سنین ۷ تا ۱۲ سال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. بهرامی، هادی. (۱۳۷۲)، کاربرد بالینی و تشخیص آزمونه‌های فرانکنی شخصیت، تهران، نشر دانا.
- پرون، ام و آر پرون. روان‌شناسی بالینی، ترجمه پریخ دادستان و محمود منصور، (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات بعثت.
- تیموری سلماسی، کاظم. (۱۳۷۴)، «بررسی و مقایسه ویژگیهای آزمون ترسیم خانواده و خانواده به صورت حیوانات، کودکان عادی و فرزندخواندگان ۵ تا ۸ ساله»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. داداش‌زاده، کاوه. (۱۳۷۳)، نقاشی و نوشته‌های کودکان، تهران، انتشارات گوتبرگ.
- دادستان، پریخ. (۱۳۷۴)، ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون‌های ترسیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد.
- سروقد، سیروس. (۱۳۷۴)، «بررسی و مقایسه ویژگیهای آزمون ترسیم خانواده کودکان ۷ تا ۱۴ ساله والد افسرده (یک قطبی و دو قطبی) با کودکان والد عادی شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- عسگری، یدالله. (۱۳۷۲)، «مقایسه نتایج آزمون خانواده کودکان پدر اسکیزوفرنیک و والدین بهنجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- فراری، ا.آ. نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، (۱۳۷۱). تهران، انتشارات دبستان.
- قاسم‌زاده، فاطمه. (۱۳۷۱)، «تصویر خانواده در نقاشیهای کودکان ۵ تا ۶ ساله»، ماهنامه جامعه سالم، شماره ۶.
- کرمن، ل. نقاشی کودکان (کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک)، ترجمه پریخ دادستان و محمود منصور، (۱۳۷۱)، تهران، انتشارات ژرف.
- مارنات، گ. گ. (۱۹۹۰)، راهنمای سنجش روانی (جلد دوم)، حسن پاشا شریفی (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات رشد.
- نارمکی، فرخ. (۱۳۷۲)، «مقایسه و بررسی نقاشی خانواده فرزندان طلاق و فرزندان غیرطلاق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

- BARRETT, M. & EAMES, K. (1996). Sequential Developments in children's human figure drawing, *British journal of Developmental Psychology*, 14, 216-236.
- COX, M.V. (1993). *Children's drawings of human figure*. hove: Lawrence Erlbaum Associates.
- COX, M.V. & MAYNARD, S. (1998). The human figure drawings of children with down syndromc. *British Journal of Developmental psychology*, 16, 133-137.
- COX, M.V. & PERARA, J. & KOYASU, M. & HIRANUMA, H. (2001). Children's human figure drawings in the U.K. and Japan: the effects of age, sex and culture. *British Journal of developmental Psychology*, 19, 275-292.
- GARDNER. H. (1980). *Artful scribes: The significance of children's drawing*. ny: Basis Books.
- HOLTZ, R. et-al (1980). The Kinetic family Drawing as a measure of Interpersonal distance. *Journal of Genetic Psychology*, V 137, n2. p 307-308.
- JONES, R. (1985), Kinetic Family Drawing and Animal kinetic family drawing in children of divorced and intact families. *Art psychotherapy*, 12/3 (187-196).
- MOSTKOFF, D.L & LAZARUS, P.J. (1983). The kinetic family Drawing: The Reliability of an Objective scoring system. *Psychology in the schools*, V20, n1, p 16-20.
- NATTAL, E.V. & CAMPBELL, N & RICHARD, A. (1988). Views of The family by chines and U.S. Children: A comparative study of kinetic family Drawing. *Journal of school psychology*, V 26, n2, p 191-194.
- THOMAS, G & SILK, A. (1990). *An introduction to The Psychology of Children's drawings*. NY: Harvester Wheatsheaf.
- WRIHT, J.H. & MCLNTYRE, M.P. (1982). The Family Drawing depression scale. *Journal of clinical Psychology*. 38, P 853-861.

وصول: ۸۳/۳/۲۳

پذیرش: ۸۳/۶/۲۴